

۷- $\overline{\text{ab}} \text{riy} \text{ abarya}$ [آبَرِی]، ماضی مطلق، مجهول، سوم شخص مفرد: آورده شد.

۸- $\overline{\text{abv}} \text{ abava}$ [آبَو]، ماضی مطلق (و بعید)، سوم شخص مفرد: [او] (خنثی، مذکر) شد، شده بود. از $\text{bar} = \text{شدن}$.

۹- $\overline{\text{abvm}} \text{ abavam}$ [آبَوْم]، ماضی مطلق (و بعید)، اول شخص مفرد: شدم، شده بودم.

۱۰- $\overline{\text{abr}} \text{ abavan}$ [آبَوَن]، ماضی مطلق (و بعید)، سوم شخص جمع: شدند، شده بودند.

۱۱- $\overline{\text{abičriš}} \text{ abičariš}$ [آبی چَرِیش]، مفعول بی واسطه، جمع، (مذکر؟): زمین کشت. ظاهراً از آب و چریدن ← چراگاه.

۱۲- $\overline{\text{abiš}} \text{ ābiš}$ [آبِیش]، مفرد، مؤنث: بستر رود؟ (= رودخانه).

۱۳- $\overline{\text{abiy}} \text{ abi}$ [آبی]، حرف اضافه: به سوی، به؛ اوستایی: *abi*، هندی باستان: *abhi*.

۱۴- $\overline{\text{abiyažārayam}} \text{ abiyārayam}$ [آبی یَازَایَم]، ماضی مطلق، اول شخص مفرد: افزودم، تجهیز کردم. از $\text{jar} =$ پیش راندن و $\text{abi} =$ به. همین واژه در شکل متأخر: $\overline{\text{abi jvym}} \text{ abī javayam}$.

۱۵- $\overline{\text{abypr}} \text{ abypara}$ [آب ی پَر]، قید: سپس. از a param و abi .

۱۶- $\overline{\text{ačiy}} \text{ ačči}$ [اچ چی]، قید: وقتی که، چون؛ اوستایی: *ačči*.

۱۷- $\overline{\text{ada}} \text{ adā}$ [آدَا]، ماضی مطلق، سوم شخص مفرد: داد، آفرید (آفریده است). از $\text{dā} =$ دادن = آفریدن = نشانیدن؛ اوستایی: dā ، هندی باستان: dhā . پهلوی: $\text{adāt} =$ بی قانون = آفریده نشده.

۱۸- $\overline{\text{adda}} \text{ adadā}$ [آدَا]، ماضی مطلق، سوم شخص مفرد: داد، آفرید.

۱۹- $\overline{\text{adkiy}} \text{ adakai}$ [آد کئی]، قید: آن زمان (ان کی)، بعد. پهلوی: $\text{kad} =$ کی = چه وقت.

۲۰- $\overline{\text{adary}} \text{ adāraya}$ [آدَا رِی]،

- ۴۶ - ۲۲ - < < 𐭠𐭡𐭣 (ahm) āham [آ هَمْ]، ماضی مطلق، اول شخص مفرد: بودم، بوده‌ام.
- ۴۷ - ۴۷ - < < 𐭠𐭡𐭣 (ah) ahan [آهَنْ]، ماضی مطلق، سوم شخص جمع: بودند. هندی باستان: āsan = بودند.
- ۴۸ - ۴۸ - < < 𐭠𐭡𐭣 (ahniy) ahani [آهَنْبِ]، زمان حال، اول شخص مفرد: هستم؛ هندی باستان: āsāni.
- ۴۹ - ۴۹ - < < 𐭠𐭡𐭣 (ahta) āhanta [آهَنْتَ]، ماضی مطلق، سوم شخص جمع: بودند (برده بودند)، موجود بودند.
- ۵۰ - ۵۰ - < < 𐭠𐭡𐭣 (ahtiy) ahati [آهْتِی]، زمان حال، سوم شخص مفرد: هست (= باید باشد)؛ هندی باستان: āsati
- ۵۱ - ۵۱ - < < 𐭠𐭡𐭣 (aištira) ahištira [آهیش تَت]، ماضی مطلق، شخص مفرد: ایستاده بود (= برجا بود). از-stā = ایستادن؛ اوستایی: stā-، هندی باستان: sthā-.
- [پهلوی: āhištan = برکشیدن = برافراشتن]
- ۵۲ - ۵۲ - < < 𐭠𐭡𐭣 (amhy) ahmahi [آهَمْ هِی]، زمان حال، اول شخص جمع: هستیم. از-ah = بودن؛ اوستایی: ahmi، هندی باستان: smāsi.
- ۵۳ - ۵۳ - < < 𐭠𐭡𐭣 (amaxm) ahmāxam [آ ما خَمْ]، ضمیر زمان حال، حالت اضافه، اول شخص جمع: از ما (= از آن ما)؛ اوستایی: ahmākam، ایرانی باستان: asmākam.
- ۵۴ - ۵۴ - < < 𐭠𐭡𐭣 (amiy) ahmi [آمِی]، فقط در (ahmiy: XDNb)، زمان حال، اول شخص مفرد: هستم. از-ah = بودن؛ اوستایی: ahmi، هندی باستان: āsmi.
- ۵۵ - ۵۵ - < < 𐭠𐭡𐭣 (ahyaia) ahyāia [آ هِیَا]، ماضی مطلق، سوم شخص مفرد: رانده شد. از-ah = انداختن؛ اوستایی: ah-، هندی باستان: as-.
- ۵۶ - ۵۶ - < < 𐭠𐭡𐭣 (ahiyaya) ahyāyā [آهْیَا یَا]، ضمیر اول شخص در حالت اضافه و مفعول فید، مفرد، مؤنث: این، در این، اوستایی: a- = این، این جا! هندی باستان: a-.
- ۵۷ - ۵۷ - < < 𐭠𐭡𐭣 (axšina) axšaina [آخْشِ ئِینَ]، صفت در حالت فاعلی، مفرد مذکر: فیروزه؛ هندی باستان: akša = آبی ناشفاف؛ پهلوی: xšēn = خشن = آبی تیره. برهان قاطع: «خشی: چیزی را گویند، که سفیدی آن به نهایت رسیده باشد.

یعنی سفید سفید. و بعضی می گویند، به معنی خشینه است، که سیاه تیره رنگ و به کبودی مایل باشد. خشین: هر چیز که آن به کبودی مایل و سیاه و تیره باشد عموماً. و بازی را گویند، که پشت او کبود و تیره و چشم هایش سیاه رنگ باشد خصوصاً. خشینه: ... هر چیز سیاه رنگ و مایل به کبودی باشد».

۵۸- $\overline{\text{axšnavai}}$ (axšnavi) [آخشن نووئی]، زمان حال، اول شخص مفرد: گوش می دهم (= می پذیرم). از -xšnav = آرام کردن (= آرامش دادن)؛ اوستایی: -xšnav = پذیرفتن [دوستانه].

۵۹- $\overline{\text{axšnavāhi}}$ (axšnavahi) [آخشن نواهی]، حالت فاعلی در زمان حال، دوم شخص مفرد: گوش می دهی (= می پذیری).

۶۰- $\overline{\text{axšnūdi}}$ (axšnūdi) [آخشنودی]، حالت امر، دوم شخص مفرد: بشنو! (= بپذیر!).

۶۱- $\overline{\text{axšnūmi}}$ (axšnūmi) [آخشنومی]، زمان حال، اول شخص مفرد: گوش می دهم (= می پذیرم).

۶۲- $\overline{\text{axštā}}$ (axštā) [آخشتا]، صفت، حالت فاعلی، مفرد، مؤنث: آرام، بدون چشم زخم.

۶۳- $\overline{\text{aiš}}$ (aiš) [آیش]، ماضی مطلق، سوم شخص مفرد: رفت. از -ay = رفتن؛ اوستایی: -ay.

۶۴- $\overline{\text{aišan}}$ ([a]išan) [آئی شن]، ماضی مطلق، سوم شخص جمع: رفتند.

۶۵- $\overline{\text{aita}}$ (aita) [آیت]، ضمیر اشاره در حالت فاعلی و مفعول بی واسطه، مفرد، خنثی: این؛ اوستایی: $\overline{\text{aēta}}$، هندی باستان: $\overline{\text{etāt}}$.

۶۶- $\overline{\text{aitā}}$ (aitā) [آیت]، مفعول بی واسطه، جمع، مؤنث: اینها.

۶۷- $\overline{\text{aita-mai}}$ (aitami) [آیت مئی]، ضمیر اشاره در حالت مفعول بی واسطه، مفرد، خنثی، با ضمیر شخصی در حالت اضافه و مفعول با واسطه، اول شخص مفرد: این به من.

۶۸- $\overline{\text{aiti}}$ (aiti) [آئی تی]، زمان حال، سوم شخص مفرد: می رود. از -ay = رفتن؛ اوستایی: $\overline{\text{aēti}}$، هندی باستان: $\overline{\text{ēti}}$ = می رود.

۶۹- $\overline{\text{airam}}$ (airam) [آئی و ام]، صفت در حالت مفعول بی واسطه، مفرد، مذکر: یکی را؛ اوستایی: $\overline{\text{aēra}}$: یکی، پهلوی: $\overline{\text{ērak}}$ / $\overline{\text{ēr}}$: آلمانی:

مطلق، سوم شخص جمع: کردند (= زویش کار کردند). ماضی مطلق، اول شخص

۸۲- $\overline{\text{ak}} \overline{\text{unv}} \overline{\text{yāta}}$ $\overline{\text{ak}} \overline{\text{unv}} \overline{\text{yāta}}$ [اکوونویت]، ماضی مطلق، سوم شخص جمع: کردند (= بدانجام رسانیدند).

۸۳- $\overline{\text{ak}} \overline{\text{uma}}$ $\overline{\text{ak}} \overline{\text{uma}}$ [اکوئم]، ماضی مطلق، اول شخص جمع: کردیم، ساختیم بنا کردیم.

۸۴- $\overline{\text{ak}} \overline{\text{uta}}$ $\overline{\text{ak}} \overline{\text{uta}}$ [اکوئت]، ماضی مطلق، مجهول: برای خودش کرد (= برای خودش ساخت).

۸۵- $\overline{\text{aman}} \overline{\text{aya}}$ $\overline{\text{aman}} \overline{\text{aya}}$ [امانی]، ماضی مطلق، سوم شخص مفرد: ماند (= منتظر ماند). از $\overline{\text{man}}$ = ماندن، اوستایی: $\overline{\text{māna}} \overline{\text{veiti}}$ = می ماند (= درنگ می کند)، هندی باستان: $\overline{\text{man}}$ = درنگ کردن.

۸۶- $\overline{\text{am}} \overline{\text{yai}}$ $\overline{\text{am}} \overline{\text{yai}}$ [امی]، ماضی مطلق، اول شخص مفرد: اندیشیدم (= فکر کردم = سبک سنگین کردم). از $\overline{\text{man}}$ = اندیشیدن (= فکر کردن)، اوستایی: $\overline{\text{mān}} \overline{\text{yete}}$ و هندی باستان: $\overline{\text{manyete}}$ ، می اندیشد = فکر می کند، بهاری: $\overline{\text{man}} \overline{\text{dan}}$.

۸۷- $\overline{\text{am}} \overline{\text{ata}}$ $\overline{\text{am}} \overline{\text{ata}}$ [امت]، قید: از این جا.

۸۸- $\overline{\text{am}} \overline{\text{āta}}$ $\overline{\text{am}} \overline{\text{āta}}$ [آماتا]، صفت فاعلی، جمع، مذکر: آزاد(ه) (= اصیل = نجیب).

۸۹- $\overline{\text{am}} \overline{\text{yāta}}$ $\overline{\text{am}} \overline{\text{yāta}}$ [امریت]، ماضی مطلق، سوم شخص مفرد: مرد. از $\overline{\text{mar}}$ = مردن، اوستایی: $\overline{\text{mir}} \overline{\text{yete}}$ و هندی باستان: $\overline{\text{mir}} \overline{\text{yāte}}$ = می میرد.

۹۰- $\overline{\text{am}} \overline{\text{uθ}}$ $\overline{\text{am}} \overline{\text{uθ}}$ [اموئث]، ماضی مطلق، سوم شخص مفرد: فرار کرد: از $\overline{\text{mau}} \overline{\text{θ}}$ = فرار کردن.

۹۱- $\overline{\text{ana}}$ $\overline{\text{ana}}$ [آن]، ضمیر اشاره در حالت مفعول معه: با این (= به وسیله این = از طریق این، اوستایی: $\overline{\text{ana}}$).

۹۲- $\overline{\text{an}} \overline{\text{aya}}$ $\overline{\text{an}} \overline{\text{aya}}$ [انی]، ماضی مطلق، سوم شخص مفرد: هدایت کرد = راهنمایی کرد = آورد. از $\overline{\text{na}} \overline{\text{y}}$ = هدایت کردن = راه نشان دادن، اوستایی: $\overline{\text{nā}} \overline{\text{yati}}$ و هندی باستان: $\overline{\text{nā}} \overline{\text{yati}}$: راهنمایی می کند.

۹۳- $\overline{\text{an}} \overline{\text{ayan}}$ $\overline{\text{an}} \overline{\text{ayan}}$ [انین]، ماضی مطلق، سوم شخص جمع: هدایت کردند (= آوردند).